

## مقایسه شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زودازدواج و دیرازدواج

### Comparing Happiness, Love Style and Alexithymia Among Individuals Who Marry Early and Late

*E. Soleimani, Ph.D.*

دکتر اسماعیل سلیمانی ✉

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه

*M. Habibi, Ph.D.*

دکتر مجتبی حبیبی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

*M. SahebgharanFard, Ms.C.*

محمد صاحبقران فرد

کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۷

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۵/۳/۳

پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۵

#### Abstract

The main objective of this study was to compare happiness, love style and alexithymia in individuals who marry early and late. From all couples who were living in Ardabil city, two groups of 50 early married (25 females and 25 males) and 50 late married (25 females and 25 males) individuals were selected through available sampling method.

#### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زودازدواج و افراد دیرازدواج بود. از بین جامعه آماری پژوهش حاضر که شامل کلیه زوج‌های ساکن شهر اردبیل بودند، ۵۰ آزمودنی زودازدواج (۲۵ زن و ۲۵ مرد) و ۵۰ آزمودنی دیرازدواج (۲۵ زن و ۲۵ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان دو گروه مورد مطالعه انتخاب شدند.

✉Corresponding author: Faculty of Humanities, Urmia University, Seda-Sima Str., Valfajr 1, Urmia, Iran,  
Email: [E.soleimani@urmia.ac.ir](mailto:E.soleimani@urmia.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: ارومیه، والفجر ۱، خ صدا سیما، دانشگاه ارومیه،  
دانشکده علوم انسانی

پست الکترونیکی: [E.soleimani@urmia.ac.ir](mailto:E.soleimani@urmia.ac.ir)

The Oxford Happiness Inventory, the Hendricks Love Attitudes Scale and the Alexithymia Scale were used as tools of investigation. The method of study was causal-comparative and multivariate analysis of variance and Pearson correlation coefficient tests were used for analyzing data. The results showed that there are significant differences between happiness, love style and alexithymia mean scores in individuals who married early and late. Generally, mean scores of happiness, practical love, and friendship love styles were higher in the late married than the early married group. While, early married individuals gain-ed significantly higher scores in passionate love, possessive-dependent love, difficulty of identifying and describing the feelings and concrete thinking in comparison to the late married individuals. Based on these results, it is suggested that family experts take into account the love styles of clients in family therapy.

**Keywords:** Happiness, Love Styles, Alexithymia, Late Married Individuals, Early Married Individuals.

فهرست شادکامی آکسفورد، آزمون سبک‌های عشق و مقیاس آلکسی‌تیمیا به عنوان ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. روش تحقیق پژوهش حاضر علی - مقایسه‌ای بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین میانگین نمرات شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زودازدواج و افراد دیرازدواج تفاوت آماری معناداری وجود دارد. به طوری که میانگین نمرات افراد دیرازدواج در متغیر شادکامی، سبک عشق واقع‌گرا و سبک عشق رفاقتی بیشتر از افراد زودازدواج بود. اما میانگین نمرات افراد زودازدواج در سبک عشق رمانتیک، سبک عشق وابسته، دشواری شناسایی و توصیف هیجانات و تفکر عینی در مقایسه با افراد دیرازدواج به طور معناداری بیشتر بود. براساس این نتایج پیشنهاد می‌شود متخصصین خانواده در مراجعان زودازدواج و دیرازدواج این متغیرها را مدنظر داشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** شادکامی، سبک‌های عشق، نارسایی هیجانی، افراد زودازدواج، افراد دیرازدواج.

## مقدمه

خانواده به لحاظ قدرت و از نظر گستردگی جهان‌شمول‌ترین سازمان و یا نهاد اجتماعی است. این امر نشان می‌دهد که خانواده واجد ارزش بقایی بسیار مهمی برای فرد و نوع انسان است (مظاهری، حیدری و پوراعتماد، ۱۳۸۴). خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین هسته جامعه است و از یک زن و مرد و فرزندان تشکیل می‌شود. اساس و رکن اصلی خانواده به عنوان زیربنای جامعه، ازدواج است. ازدواج نیز یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی انسان محسوب می‌شود.

ازدواج نه تنها در سلامت جسمی و روانی فرد مؤثر است، بلکه نقش مهمی در ورود انسان به دوره بزرگسالی بر عهده دارد (موسوی<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶). ما در جوامع مختلف و نیز در جامعه خود، شاهد بسیاری از ناسازگاری‌های خانوادگی و از هم پاشیدگی خانواده‌ها هستیم. مهم‌ترین عوامل ایجاد این ناسازگاری‌ها، عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و در نتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیرواقع‌بینانه از یکدیگر است (احمدی، تاجیک اسماعیلی، به‌پژوه، رشیدپور، صافی و نوابی‌نژاد<sup>۳</sup>، ۱۳۷۴). در این راستا شادکامی از متغیرهایی است که می‌تواند با ازدواج و رضایت زناشویی مرتبط باشد. طی سال‌های اخیر بررسی تجربی شادکامی توسط روان‌شناسان و جامعه‌شناسان افزایش یافته است. روان‌شناسان علاقه‌مند به حیطه روان‌شناسی مثبت‌نگر توجه خود را به منابع بالقوه احساس‌های مثبت نظیر احساس شادکامی معطوف کرده‌اند.

شادکامی عبارت است از مقدار ارزش مثبتی که یک فرد برای خود قائل است (ون‌هون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). این سازه دو جنبه دارد؛ یکی عوامل عاطفی که نمایانگر تجربه هیجانی شادی، سرخوشی، خشنودی و سایر هیجان‌های مثبت هستند و دیگری ارزیابی شناختی رضایت از قلمروهای مختلف زندگی که بیانگر شادکامی و بهزیستی روانی است. با وجود این، شادکامی نشانه فقدان افسردگی نیست، بلکه نشان‌دهنده وجود شماری از حالت‌های شناختی و هیجانی مثبت است (استفان، لینلی، هاروود، لوپس و مک کولام<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). افراد شاد با ارزش‌سازی مهارت‌های خود، بیشتر با رویدادهای مثبت همراه می‌شوند تا این‌که خود را با رویدادهای منفی همراه کنند. آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آینده زندگی خود بهتر عمل می‌کنند، چون از راهبردهایی نظیر جست‌وجوی اطلاعات مرتبط با خطر - امنیت سود می‌جویند و از تحمل ابهام بالایی هنگام مواجهه با مشکلات برخوردارند (برونر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴).

هم‌چنین محققان اظهار می‌دارند که سطح امید با میزان رضایت از زندگی و شادی رابطه دارد و در افراد مسن، افرادی که متارکه کرده‌اند، طلاق گرفته‌اند یا بیوه هستند، پایین‌تر از افراد دیگر است (بیلی و اشنايدر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷). جانسون، آمولوزا و بوت<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) اظهار می‌دارند شادمانی زناشویی به مرور که روابط قدیمی می‌شود، کاهش می‌یابد. والیان و والیان<sup>۹</sup> (۱۹۹۳) در پژوهش خود به تعدادی از زوجها نشان دادند که آن‌ها از دوران قبل از بچه‌داری خود و بعد از مستقل شدن فرزند در مقایسه با دوره‌های میانی زندگی احساس رضایت بیشتری از زندگی زناشویی داشته‌اند. فرح‌بخش و شفیع‌آبادی<sup>۱۰</sup> (۱۳۸۵) در یک پژوهش روی نمونه‌ای از زوجها که در مراحل مختلف زناشویی به سر می‌بردند، مشاهده کردند که میزان رضایت از زندگی زناشویی در زوج‌هایی که تازه عقد و زودازدواج هستند، بالا است و در زوج‌هایی که دارای فرزند هستند و یا فرزندان آن‌ها در مرحله بلوغ هستند، مقدار آن کاهش می‌یابد. با توجه به این‌که رضایت زناشویی تحت تأثیر زمان ازدواج یا مراحل مختلف زندگی زناشویی قرار می‌گیرد، شاید سبک‌های عشق نیز از این عامل متأثر شود.

عشق یک حالت روان‌شناختی است که طی سه دهه اخیر مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی واقع شده است و پژوهش‌های علمی در مورد تأثیر آن بر زندگی صورت گرفته است. درباره ماهیت روان‌شناختی عشق و ترکیبات آن دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. مزلو<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۷)، ترجمه رضوانی) عقیده دارد که عشق حاصل ارضای نیازهای متقابل است. تا زمانی که زوجها در کاسه زندگی مشترک خود به طور متقابل عسل می‌ریزند، زندگی شیرین خواهد شد. گلاسر و ویلیام<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۰) عقیده دارند عشق فرآیندی است که خود زوجها به وجود می‌آورند. تا زمانی که زوجها هر دو خود را متعهد به ادامه رابطه بدانند و دارای این اعتقاد باشند که عشق چیزی است که خودشان انتخاب کرده‌اند، رابطه عاشقانه ادامه خواهد یافت.

رایس<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۷) عنوان کرد که عشق یک حالت روان‌شناختی است که دارای سه جزء زیر است: شوریدگی، صمیمیت، تصمیم - تعهد. شوریدگی عبارت است از احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت نسبت به معشوق. این بعد جنبه انگیزشی دارد. صمیمیت عبارت است از احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غمخواری نسبت به فردی که او را دوست دارد. صمیمیت جنبه هیجانی و عاطفی دارد. تصمیم - تعهد شامل تصمیم‌های آگاهانه و ناآگاهانه می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این حالت جنبه شناختی دارد و دربردارنده تصمیم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای دوست داشتن و مراقبت متعهدانه از معشوق است. از نظر استنبرگ سه بعد عشق به ندرت در فردی به طور مساوی جمع می‌شوند و از ترکیب سه بعد عشق با همدیگر ۸ حالت یا ۸ نوع عشق به وجود می‌آید که شامل: فقدان عشق، مهر و علاقه، دل‌باختگی، عشق تهی، عشق آرمانی، عشق رفاقتی، عشق ابلهانه و عشق کامل می‌باشد (استنبرگ<sup>۱۴</sup>، ۱۹۸۶، ترجمه بهرامی).

اینگل، اولسون و پاتریک<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۲) رابطه بین سه بعد عشق و ویژگی‌های شخصیتی را در ۱۲۶ دانشجوی روان‌شناسی (۳۶ مرد و ۹۰ زن) بررسی کردند. نتایج نشان داد بین برون‌گرایی در مردان با صمیمیت همبستگی وجود دارد. همچنین بین خودآگاهی با صمیمیت، شوریدگی و تعهد در مردان همبستگی مثبت معناداری مشاهده گردید. در حالی که در زنان این همبستگی‌ها بسیار کمتر بوده است. بین میزان روان‌رنجورخویی زنان و صمیمیت همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین بین خودآگاهی در زنان و سه بعد عشق در آنان همبستگی معناداری وجود دارد. با توجه به این‌که رضایت زناشویی تحت تأثیر زمان ازدواج یا مراحل مختلف زندگی زناشویی قرار می‌گیرد، شاید توانایی کنترل و ابراز علاقه و هیجان نیز از این عامل متأثر شود. به همین دلیل متغیر دیگر مورد بررسی در مطالعه حاضر مقایسه نارسایی‌های هیجانی (آلکسی‌تایمیا) در افراد زودازدواج و دیرازدواج می‌باشد.

اصطلاح آلکسی‌تیمیا اولین بار توسط سیفنتوس (به نقل از واگنر و لی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸) برای توصیف ناتوانی روان‌شناختی در شناسایی و بیان جنبه‌های هیجانی به کار برده شد. آلکسی‌تیمیا، هم‌چنین به عنوان مجموعه‌ای از نقایص شناختی و عاطفی در بیان، توصیف، شناسایی و تمایز احساسات تعریف شده است (هامفریز، وود و پارکر<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹). افراد مبتلا به آلکسی‌تیمیا اغلب با داشتن یک زندگی خیالی و هیجانانگیز درونی و بازداری‌شده مشخص می‌شوند (نمیه<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۶). امروزه مشخص شده است که آلکسی‌تیمیا با شرایط دیگر زندگی از قبیل افسردگی، اختلالات عاطفی، اختلالات خوردن، سوءاستفاده در دوران کودکی و دیگر حوادث آسیب‌زا نیز مرتبط است (برنباوم<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۶). کوکونن، کاروونن، ویجولا، لاکسی، جوکلینن و همکاران<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۱) در پژوهش خود دریافتند که افراد مطلقه و افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، بیش از سایر گروه‌ها به اختلال آلکسی‌تیمیا مبتلا هستند.

ازدواج زودهنگام یا ازدواج دیر هنگام، به خصوص در دختران می‌تواند پیامدهای منفی فراوانی برای خود شخص، خانواده و جامعه داشته باشد که بعضاً هیچ‌گاه این پیامدهای منفی رفع نگردد و به نوبه خود مانع رشد جسمی، روحی و فکری بهینه گردد و احتمالاً عوارض روحی، روانی و جسمی تا پایان عمر دامنه‌گیرشان گردد (مجدالدین<sup>۲۱</sup>، ۱۳۸۶). بنابراین نظر به مهم بودن زمان تشکیل خانواده در تغییر وضعیت افراد، شناسایی عوامل مؤثر بر سن ازدواج و تبیین میزان و نحوه تأثیر آن‌ها، می‌تواند در پیش‌بینی تبعات مختلف آن مثمرتر باشد. این مطالعه درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال می‌باشد که آیا بین زوجینی که زود و دیر ازدواج کرده‌اند از لحاظ شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی تفاوت وجود دارد؟

## روش

با توجه به هدف پژوهش حاضر، روش پژوهش علی - مقایسه‌ای و از نوع مقطعی - مقایسه‌ای است که به صورت گذشته‌نگر انجام شد. در این پژوهش نوع ازدواج (زود یا دیرازدواج) به عنوان متغیر مستقل و شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شدند.

## جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج‌های ساکن شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۳ بود. با توجه به این‌که روش تحقیق در پژوهش حاضر علی - مقایسه‌ای است و در این روش زیرگروه‌ها حداقل باید ۱۵ نفر باشند (دلور<sup>۲۲</sup>، ۱۳۸۵)، اما به خاطر افزایش اعتبار بیرونی تحقیق، ۵۰ نفر برای هر زیرگروه انتخاب شد. بدین ترتیب، نمونه آماری پژوهش حاضر ۱۰۰ زوج بود که از این تعداد ۵۰

زوج زودازدواج (۲۵ زن و ۲۵ مرد) و ۵۰ زوج دیرازدواج (۲۵ زن و ۲۵ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان دو گروه مورد مطالعه انتخاب شدند. براساس دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال ایران در سال ۱۳۹۲ میانگین سن ازدواج دختران ۲۳/۱ سال و برای پسران ۲۷/۷ سال بوده است. با احتساب تقریباً پنج سال انحراف از میانگین معمول، نمونه مطالعه حاضر انتخاب شد. بدین معنی که ملاک ورود به پژوهش برای دختران بالای ۲۸ سال و پسران بالای ۳۳ سال به عنوان نمونه‌های آماری دیرازدواج و دختران زیر ۱۸ سال و پسران زیر ۲۳ سال به عنوان نمونه آماری زودازدواج در نظر گرفته شد.

### ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شده است:

**پرسش‌نامه محقق‌ساخته اطلاعات جمعیت‌شناختی:** در این مطالعه برای کسب اطلاعات جمعیت‌شناختی زوجها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته اطلاعات جمعیت‌شناختی استفاده شده است. این پرسش‌نامه شامل نام، نام خانوادگی، سن، میزان تحصیلات و سن ازدواج بود.

**فهرست شادکامی آکسفورد:** این فهرست تجدیدنظر شده توسط آرگیل در سال ۲۰۰۱، با ۲۹ گزاره چهارگزینه‌ای ساخته شده است که به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود. شایان ذکر است که محتوای پرسش‌نامه به بررسی عزت نفس، رضایت از زندگی، کارآمدی خلق مثبت، سلامتی و به طور کلی شادکامی افراد می‌پردازد. سؤالات به ترتیب از صفر تا ۳ نمره‌گذاری می‌شوند و جمع نمره‌های ۲۸ گانه نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد که دامنه آن‌ها از صفر تا ۸۷ است (هیلس و آرگیل ۲۳، ۲۰۰۲). کارور<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۴) ضریب آلفای ۰/۹۰ را در ۳۴۷ آزمودنی و فورنهام و بروینگ<sup>۲۵</sup> (۱۹۹۰) نیز ضریب آلفای ۰/۸۷ را گزارش کردند. پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی، ضریب همبستگی ۰/۸۱ را به دست داد. در پژوهشی که توسط علی‌پور و نوربالا<sup>۲۶</sup> (۱۳۸۶) صورت گرفت، روایی آزمون با آلفای کرونباخ در داخل کشور محاسبه شد و ۰/۹۳ به دست آمد که همسانی درونی مقیاس بین خوب تا عالی است و پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی، ضریب همبستگی ۰/۸۷ را به دست داد.

**آزمون سبک‌های مختلف عشق<sup>۲۷</sup>:** این پرسش‌نامه توسط هندریک و هندریک<sup>۲۸</sup> بر پایه مدل لی<sup>۲۹</sup> از عشق در سال ۱۹۸۶ ساخته شده است که شامل زیرمقیاس‌های عشق رمانتیک، عشق تفننی، عشق رفاقتی، عشق واقع‌گرا، عشق ایثارگرایانه و عشق وابسته می‌باشد. تحلیل عاملی نشان داده است که ساختار عرضه شده «لی» توانایی کاربرد در فرهنگ‌های چندگانه را دارد. این پرسش‌نامه دارای ۴۲ گویه بود که ضرایب پایایی بالا، ثبات درونی مناسب و شواهد روایی محتوا نیز در مورد آن گزارش شده است. در تحقیقاتی که صورت گرفت، ضرایب آلفا از ۰/۶۸ برای خرده‌مقیاس

استورگ تا ۰/۸۳ برای آگاپه در آزمون - بازآزمون، ضرایب از ۰/۷۰ برای مانیا تا ۰/۸۲ برای لودوس گزارش شد. دومین تجزیه و تحلیل عامل به کاهش یکسری از گویه‌ها منتهی شد که تعداد خرده‌مقیاس به ۴۲ رسید. جملات انتخابی توسط هندریک و هندریک (۱۹۸۹) مطرح گردید. از نظر آن‌ها تناسب این مدل بهتر است. مقادیر آلفا از ۰/۶۵ برای عشق تجربه تا ۰/۷۷ برای عشق دوستانه متغیر بود. سومین تجزیه و تحلیل عامل به کاهش بیشتر یکسری دیگر از گویه‌ها منجر شد (هر سه گویه برای یک خرده‌مقیاس). مقادیر آلفا از ۰/۴۹ برای عشق تجربه تا ۰/۷۵ برای عشق دوستانه قرار داشت. نظر به این نتایج و به ویژه آن‌هایی که در ارتباط با ضرایب آلفای کرونباخ هستند، در فرم کوتاه ۲۴ گویه‌ای مقیاس نگرش‌های عشق مناسب‌تر است.

**مقیاس آلکسی‌تیمیا:** این مقیاس توسط بگی<sup>۳۰</sup> و همکاران در سال ۱۹۹۴ طراحی شده و شامل سه خرده‌آزمون دشواری در شناسایی احساسات (DIF)، دشواری در توصیف احساسات (DDF) و تفکر بیرون‌مدار (EOT) می‌باشد. محققین مذکور، پایایی مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۱) و ضریب پایایی بازآزمایی (۰/۷۷) مطلوب محاسبه کردند. در ایران مقیاس ۲۰ سؤالی آلکسی‌تیمیا در دو مطالعه جداگانه برای استفاده روی گروهی از معنادان و هم‌چنین گروه‌های بالینی و غیربالینی ترجمه و اعتباریابی شده است.

در مطالعه اول که روی ۲۳۱ معناد زن و مرد انجام شد، پایایی مقیاس با شیوه ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل مقیاس آلکسی‌تیمیا بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی به فاصله زمانی دو هفته، ۰/۶۱ تا ۰/۶۹ برآورد گردید. روایی مقیاس نیز با روش هم‌زمان و با اجرای هم‌زمان مقیاس‌های هوش هیجانی و سلامت روانی مطلوب احراز گردید. علاوه بر این، تحلیل عوامل مقیاس با روش تأییدی و با استفاده از مدل ساختاری نشان داد که مقیاس از سه عامل (دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر بیرون‌مدار) همانند مقیاس اصلی اشباع شده است. در مطالعه دوم نیز که روی ۱۷۵ بیمار مبتلا به افسردگی، اضطراب و وسواس فکری - عملی و ۱۷۳ گروه غیربیمار انجام شده، پایایی مقیاس با شیوه‌های ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی مطلوب احراز گردید. علاوه بر این نتایج تحلیل عوامل نیز ساختار سه عاملی نسخه فارسی مقیاس آلکسی‌تیمیا را تایید نمود.

### شیوه اجرا

شیوه اجرای پژوهش حاضر به صورت انفرادی و در محل سکونت آزمودنی‌ها بود، به طوری که بعد از دسترسی به نمونه تحقیق و برقراری ارتباط با آن‌ها، پرسش‌نامه‌های شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت تا با مطالعه آن‌ها به تکمیل پرسش‌نامه‌ها اقدام نمایند. لازم به ذکر است که جمع‌آوری اطلاعات به وسیله نگارنده پژوهش صورت گرفت.

سرانجام داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل آماری علاوه بر استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی نظیر فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد، برای استنباط آماری از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. ضمناً جهت رعایت پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل واریانس، از آزمون کلوموگروف - اسمیرنوف تک‌نمونه‌ای برای فرض نرمال بودن جامعه آماری، آزمون لوین و آزمون باکس برای فرض همگنی واریانس‌ها استفاده شد.

### یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی مطالعه نشان داد میانگین سنی شرکت‌کنندگان دیرازدواج برای دختران ۲۸/۵۶ سال و پسران ۳۴/۰۱ سال و میانگین سنی شرکت‌کنندگان زودازدواج برای دختران ۱۷/۳۳ سال و پسران ۲۱/۲۵ سال بوده است. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد میانگین و انحراف استاندارد شادکامی در افراد زودازدواج ۶۹/۰۶ (۳/۶۸) و در افراد دیرازدواج ۷۱/۹۰ (۷/۲۲) می‌باشد. هم‌چنین میانگین و انحراف استاندارد افراد زودازدواج در نارسایی هیجانی کل ۶۷/۳۴ (۲/۹۸) می‌باشد و در افراد دیرازدواج میانگین و انحراف استاندارد نارسایی هیجانی کل ۵۸/۰۴ (۶/۵۵) می‌باشد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد شادکامی، نارسایی هیجانی و مولفه‌های آن در افراد زود و دیرازدواج

افراد دیرازدواج		افراد زودازدواج		شادکامی، نارسایی هیجانی و مؤلفه‌های آن
SD	M	SD	M	
۷/۲۲	۷۱/۹۰	۳/۶۸	۶۹/۰۶	شادکامی
۴/۰۶	۲۴/۵۴	۲/۹۶	۲۷/۲۸	دشواری شناسایی هیجانان
۳/۶۹	۱۹/۰۸	۳/۰۲	۲۳/۳۸	دشواری توصیف هیجانان
۲/۸۹	۱۴/۴۲	۲/۳۰	۱۶/۶۸	تفکر عینی
۶/۵۵	۵۸/۰۴	۲/۹۸	۶۷/۳۴	نارسایی هیجانی کل

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد میانگین و انحراف استاندارد افراد زودازدواج در سبک‌های عشق کل ۷۱/۰۶ (۵/۳۶) و در افراد دیرازدواج ۶۷/۵۲ (۶/۱۹) می‌باشد. جهت بررسی همسانی واریانس‌ها بین متغیرهای مورد مطالعه از آزمون لوین استفاده شد و نتایج نشان داد سطح آماره (F) برای هیچ یک از مؤلفه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر معنادار نیست ( $P \geq 0.05$ ) و این نشان‌دهنده آن است که واریانس خطای این متغیرها در بین آزمودنی‌ها (زودازدواج و دیرازدواج) متفاوت نیست و واریانس‌ها با هم برابرند.



## جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های عشق و

## مؤلفه‌های آن در افراد زود و دیرازدواج

افراد دیرازدواج		افراد زودازدواج		سبک‌های مختلف عشق
SD	M	SD	M	
۲/۵۸	۱۰/۰۰	۲/۴۰	۱۴/۱۰	رمانتیک/ پرشور/ شیدایی
۱/۱۴	۹/۶۲	۱/۱۶	۹۰/۵۰	تفنی/ بی‌هدف
۳/۰۰	۱۴/۱۲	۲/۱۰	۱۱/۰۴	رفاقتی/ همدلانه
۲/۴۰	۱۳/۱۰	۱/۹۸	۱۱/۳۸	واقع‌گرا/ حساب‌گرا
۲/۰۰	۱۰/۵۴	۲/۱۰	۱۰/۹۸	اینتر‌گرایانه/ گذشت/ فداکارانه
۲/۹۰	۱۰/۱۴	۲/۴۶	۱۴/۰۶	وابسته/ تملک‌گرایانه
۶/۱۹	۶۷/۵۲	۵/۳۶	۷۱/۰۶	سبک‌های عشق کل

هم‌چنین برای بررسی فرض همگنی کواریانس‌ها از آزمون باکس استفاده شد و نتایج نشان داد که مقدار باکس معنادار نیست ( $P=۰/۴۴۲$  و  $F=۰/۹۷۳$  و  $BOX=۶/۹۷۳$ ) و در نتیجه پیش‌فرض تفاوت بین کواریانس‌ها برقرار است.

## جدول ۳: نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چندمتغیری (کل) بر روی نمرات متغیرهای

## شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زود و دیرازدواج

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	P	مجذور اتا
مدل	۰/۹۹۸	۴/۴۹	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸
	۰/۰۰۲	۴/۴۹	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸
	۵۰۵/۱۲	۴/۴۹	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸
	۵۰۵/۱۲	۴/۴۹	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸
گروه	۰/۷۳۶	۲۴/۷۸	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶
	۰/۲۶۴	۲۴/۷۸	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶
	۲/۷۸۵	۲۴/۷۸	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶
	۲/۷۸۵	۲۴/۷۸	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سطوح معناداری همه آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. مجذور اتا نشان می‌دهد تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت براساس آزمون لامبدا ویلکز ۷۳٪ است یعنی ۷۳٪ واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه ناشی از تأثیر متقابل متغیرهای وابسته می‌باشد.

## جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری بر روی متغیرهای شادکامی،

## سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زود و دیرازدواج

P	F	MS	df	SS	متغیر وابسته	گروه
۰/۰۱۵	۶/۱۳	۲۰/۱۶۴	۱	۲۰/۱۶۴	شادکامی	
۰/۰۰۰	۱۴/۸۲	۱۸۷/۶۹	۱	۱۸۷/۶۹	دشواری شناسایی هیجان‌ات	
۰/۰۰۰	۴۰/۴۶	۴۶۲/۲۵	۱	۴۶۲/۲۵	دشواری توصیف هیجان‌ات	
۰/۰۰۰	۱۸/۶۴	۱۲۷/۶۹	۱	۱۲۷/۶۹	تفکر عینی	
۰/۰۰۰	۳۸/۳۸	۲۱۶۲/۲۵	۱	۲۱۶۲/۲۵	نارسایی هیجانی کل	
۰/۰۰۰	۶۷/۲۴	۴۲۰/۲۵	۱	۴۲۰/۲۵	رمانتیک/ پرشور/ شیدایی	
۰/۶۰۴	۰/۲۷۱	۰/۳۶۰	۱	۰/۳۶۰	تفنی/ بی‌هدف	
۰/۰۰۰	۳۵/۲۵	۲۳۷/۱۶	۱	۲۳۷/۱۶	رفاقتی/ همدلانه	
۰/۰۰۰	۱۵/۱۵	۷۳/۹۶	۱	۷۳/۹۶	واقع‌گرا/ حساب‌گرا	
۰/۲۸۷	۱/۱۴	۴/۸۴	۱	۴/۸۴	ایثار‌گرایانه/ گذشت/ فداکارانه	
۰/۰۰۰	۵۲/۹۶	۳۸۴/۱۶	۱	۳۸۴/۱۶	وابسته/ تملک‌گرایانه	
۰/۰۰۳	۹/۳۲	۳۱۳/۲۹	۱	۳۱۳/۲۹	سبک‌های عشق کل	

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات شادکامی ( $F=۶/۱۳$ )، سبک‌های عشق ( $F=۹/۳۲$ ) و نارسایی هیجانی ( $F=۳۸/۳۸$ ) بین زودازدواج و دیرازدواج تفاوت معناداری وجود دارد ( $P<۰/۰۰۱$ ). به طوری که میانگین نمرات افراد دیرازدواج در متغیر شادکامی، سبک عشق واقع‌گرا و سبک عشق رفاقتی بیشتر از افراد زودازدواج بود. اما میانگین نمرات افراد زودازدواج در سبک عشق رمانتیک، سبک عشق وابسته - تملک‌گرایانه و نارسایی هیجانی در مقایسه با افراد دیرازدواج به طور معناداری بیشتر بود. هم‌چنین بین افراد زود و دیرازدواج از لحاظ سبک عشق تفنی و سبک عشق ایثار‌گرایانه تفاوت معناداری به دست نیامد.

## بحث

هدف مطالعه حاضر مقایسه شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زودازدواج و دیرازدواج بود. نتایج مطالعه حاضر نشان داد میانگین نمرات افراد دیرازدواج در متغیر شادکامی نسبت به افراد زودازدواج از لحاظ آماری به طور معناداری بیشتر است. نتایج این یافته در راستای نتایج اسکون، استون، روترت، نیکولا، کیم و یانگ<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۷)، راجرز و دوبوئر<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۱)، چلبیانلو<sup>۳۳</sup> (۱۳۸۳)، جانسون و همکاران (۱۹۹۲)، بوث، جانسون، وایت و ادوارز<sup>۳۴</sup> (۱۹۸۶)، اسکوم و بوگیگیس<sup>۳۵</sup> (۱۹۸۶) می‌باشد. به طوری که راجرز و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی شادکامی زوج‌های زودازدواج و دیرازدواج نشان دادند زوج‌هایی که زودازدواج کرده‌اند، شادکامی بیشتری را در اوایل ازدواج دارند، اما به مرور زمان در مقایسه با زوج‌های دیرازدواج از مقدار آن کم شده است و بیان کردند که شادکامی در زندگی زوج‌ها بستگی به فاکتورهای درآمد، روابط سالم با یکدیگر و رضایت زناشویی دارد.

هم‌چنین در تحقیقی چلبیانلو (۱۳۸۳) با بررسی رابطه بین شادکامی و رضایت زناشویی زوجین نشان داد که زوجینی که زودازدواج کرده‌اند، شادکامی بیشتری را تجربه کرده‌اند، ولی زوج‌هایی که مدت زیادی از ازدواج آن‌ها می‌گذرد از شادکامی آن‌ها کاسته شده است. از طرف دیگر بوث، جانسون، وایت و ادوارز (۱۹۸۶) دریافتند کسانی که در سنین کمتر از ۲۰ سال ازدواج می‌کنند، کمترین پایداری ازدواج را داشته‌اند. صرف نظر از طول مدت ازدواج، نتایج منفی ازدواج زود هنگام بر پایداری زناشویی مشهود بوده است. این محققان نتایج معکوسی را برای آن‌هایی که دیرتر ازدواج کرده بودند، به دست آورده‌اند (ذوالفقارپور<sup>۴۶</sup>، ۱۳۸۰).

در تبیین نتایج مطالعه حاضر می‌توان به رابطه عفو و بخشش با افزایش سن و شادکامی اشاره نمود. به طوری که تحقیقات متعدد نشان دادند بین عفو و بخشش با شادکامی رابطه وجود دارد. از جمله ضمیری، ابافت، روشنی و عسگری<sup>۳۷</sup> (۱۳۹۰) نشان دادند بین شادکامی و بخشودگی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین مولت و گیرارد<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۰) اعلام داشتند که بزرگسالان نسبت به جوانان تمایل بیشتری برای بخشیدن دارند و با بالا رفتن سن میزان عفو و بخشش نیز بیشتر می‌شود. هم‌چنین برخی بررسی‌ها نشان داده‌اند که درمان به شیوه عفو و بخشش برای مشکلات زناشویی و حل مسائل خانوادگی بسیار مؤثر می‌باشد (افخمی، بهرامی و فاتحی‌زاده<sup>۳۹</sup>، ۱۳۸۶؛ دیلاسیو<sup>۴۰</sup>، ۲۰۰۰). بخشودن و بخشش یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است (انزایت<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۱). هر چند انتقام گرفتن پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است (میربرگ<sup>۴۲</sup>، ۲۰۱۱)، اما بخشش شاهراه سلامت روانی و شادکامی است (ماتسویوکی<sup>۴۳</sup>، ۲۰۱۱). با این توضیح می‌توان احتمال داد افراد دیرازدواج با توجه به ارتباط رشد شناختی با رشد اخلاقی از نظریه کلبیرگ، عفو و بخشش بیشتری نسبت به زودازدواج‌ها داشته باشند و این روی شادکامی آن‌ها تأثیرگذار باشد. هم‌چنین خانواده جوهره‌ای زنده و در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی، تعاملی و طرح‌دار با یکدیگر سازمان می‌یابد و در طول زمان و مکان گسترش می‌یابد. می‌توان رضایت زناشویی را به عنوان یک موقعیت روان‌شناختی در نظر گرفت که خود به خود به وجود نمی‌آید، بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است، به ویژه در سال‌های اولیه رضایت زناشویی بسیار بی‌ثبات است و روابط در معرض بیشترین خطر قرار دارند (احمدی و همکاران، ۲۰۱۰).

هم‌چنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد تفاوت آماری معناداری در بین زوج‌های زود و دیرازدواج از لحاظ میزان سبک‌های مختلف عشق وجود دارد. به طوری که میانگین افراد زودازدواج در عشق رمانتیک/شهوانی/پرشور/شیدایی (اروس) و عشق وابسته/تملک‌گرایانه (مانیا) بیشتر از افراد دیرازدواج بود. در حالی که میانگین افراد دیرازدواج در عشق همدلانه/رفاقتی/دوستانه (استورگ) و عشق واقع‌گرا و حساب‌گرا (پراگما) بیشتر از افراد زودازدواج بود. هم‌چنین از لحاظ عشق ایثارگرانه/

فداکارانه/ گذشت (آگاپه) و عشق تفننی/ بی‌هدف (لودوس) تفاوتی بین افراد زود و دیرازدواج به دست نیامد. نتایج مطالعه حاضر در راستای مطالعه هاتفلید، پیلمر، اوبرین و لی<sup>۴۴</sup> (۲۰۰۸) می‌باشد، به طوری که با بررسی ۵۳ زوج تازه‌ازدواج و ۲۴۰ زوج دیرازدواج (محدوده سنی ۸۲-۵۰ سال) نشان دادند در هر دو گروه نمره زنان در عشق رفاقتی بیشتر از مردان بود و هم‌چنین گروهی که تازه ازدواج کرده بودند، عشق شهوانی بیشتری نسبت به گروه دوم داشتند. در تبیین نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت اکثر افرادی که اقدام به ازدواج زودهنگام می‌نمایند، احتمالاً تأکید بیشترشان بر مؤلفه شوریدگی و صمیمیت نظریه سه‌بعدی عشق استرنبرگ (۱۳۸۲، ترجمه بهرامی) باشد. البته در مقابل افراد دیرازدواج به دلیل بلوغ فکری - اجتماعی و استقلال اقتصادی احتمالاً نمی‌خواهند مبنای زندگی مشترکشان را بر اساس عشق اروس و مانیا قرار بدهند و بیستر تمایل به عشق واقع‌گرا/ حساب‌گرا (پراگما) و همدلانه و دوستانه (استورگ) دارند. هم‌چنین رفیعی‌نیا و اصغری<sup>۴۵</sup> (۱۳۸۶) نشان دادند بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی، رابطه عشق رفاقتی با رضایت از زندگی، مستقیم و معنادار و با عاطفه منفی، معکوس و معنادار بود؛ ولی عشق پرشور با هیچ کدام از متغیرهای بهزیستی ذهنی ارتباط معناداری نداشت.

در نهایت نتایج مطالعه حاضر نشان داد میانگین نمرات افراد زودازدواج در مؤلفه‌های دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر بیرون‌مدار/ عینی در مقایسه با افراد دیرازدواج بیشتر است. بدین معنی که افراد زودازدواج در شناسایی و توصیف عواطف و احساسات خویش نسبت به افراد دیرازدواج در سطح پایین‌تری قرار دارند. در تبیین نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز زندگی مشترک توانایی آگاهی از خود و خصوصیات مختلف خود است. این توانایی‌ها به فرد کمک می‌کند تا با توانایی‌ها و ضعف‌ها و سایر خصوصیات خود آشنا شده و با آگاهی عمیق از خود و دیگران وارد زندگی با فرد دیگری شود. از طرف دیگر با افزایش سن افراد، توانایی آن‌ها نیز در زمینه موارد اشاره شده نسبت به سال‌های قبل بهتر و بیشتر می‌گردد. به طوری که به مرور زمان و در اثر افزایش سن مهارت‌های خودآگاهی افراد ارتقا یافته و می‌توانند احساسات خود را شناسایی کنند، از آن‌ها آگاه شده و این احساسات را به طور مطلوب کنترل و ابراز کنند. هم‌چنین می‌توانند بر نقاط قوت و ضعف خود در زمینه روابط اجتماعی و هیجانی آگاه شده و با تکیه بر نقاط قوت، نقاط ضعف خود را کاهش دهند. آگاهی از نقاط ضعف باعث می‌شود که فرد با استفاده از این آگاهی بتواند تسلط بیشتری بر خود داشته باشد. هم‌چنین می‌توان گفت با افزایش سن توانایی افراد علاوه بر در زمینه شناخت و توصیف احساسات، در زمینه شناخت و تنظیم اهداف و برنامه زندگی مشترک نیز می‌تواند بهبود یابد.

به طور کلی براساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد افراد زودازدواج در مقایسه با افراد دیرازدواج بنا به دلایلی (احتمالاً حس مسئولیت‌پذیری، قدرت مدیریت، اعتماد به نفس ضعیف و

فقدان بلوغ فکری - اجتماعی و اقتصادی مطلوب) از شادکامی، توانایی شناسایی و بیان احساسات و عواطف پایینی برخوردار هستند. هم‌چنین با توجه به ازدواج زودهنگام زندگی مشترک‌شان را بیشتر بر اساس سبک عشق رمانتیک و وابسته/ تملک‌گرایانه شروع می‌کنند.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی در نمونه‌گیری بود و هم‌چنین عدم وجود پیشینه در رابطه با متغیرهای مورد مطالعه، مقایسه نتایج این پژوهش را با پژوهش‌های دیگر دشوار ساخته است.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی برای جلوگیری از سوگیری داده‌ها، شرایط اقتصادی و فرهنگی در نمونه‌گیری مورد توجه قرار گیرد و مشابه این پژوهش در مناطق جغرافیایی دیگر و فرهنگ‌های مختلف اجرا شود و نتایج با یکدیگر مقایسه شوند. هم‌چنین از آن‌جا که با افزایش سن و مدت ازدواج سازگاری زناشویی کمتر می‌شود، بنابراین برای افزایش سازگاری زناشویی در خانواده‌ها و رهایی از مشکلات به جوانانی که در آستانه ورود به ازدواج هستند، پیشنهاد می‌شود که در کلاس‌های عمومی و جلسات خصوصی که در مراکز مشاوره و یا توسط روان‌شناسان در مراکز عمومی به منظور افزایش شادکامی، قابلیت‌های مناسب هیجانی و شناخت صحیح مفهوم عشق و دوست داشتن برگزار می‌شود، شرکت نمایند.

#### پی‌نوشت‌ها

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| 1. Mazaheri, Heidari & Pouretamad             | 23. Hills & Argil                   |
| 2. Mousavi                                    | 24. Carver                          |
| 3. Ahmadi, Nabipoor, Kimiaee & Afzali         | 25. Furnham & Brewing               |
| 4. Veenhoven                                  | 26. Nourbala & Alipour              |
| 5. Stephen, Linley, Harwood, Lewis & McCollam | 27. Love Style Questionnaire        |
| 6. Brunner                                    | 28. Hendrick & Hendrick             |
| 7. Baily & Snyder                             | 29. Lee                             |
| 8. Johansson, Amoloza & Boot                  | 30. Beghbi                          |
| 9. Valiant & Valiant                          | 31. Schoen                          |
| 10. Farahbakhsh & Shafiabadi                  | 32. Rogers & De Boer                |
| 11. Maslow                                    | 33. Chalabianlou                    |
| 12. Glasser                                   | 34. Booth, Johnson, White & Edwards |
| 13. Rice                                      | 35. Schumm & Bugaighis              |
| 14. Sterenberg                                | 36. Zolfogharpour                   |
| 15. Engel, Olson & Patrick                    | 37. Zamiri, Abaft, Roshani & Asgari |
| 16. Wagner                                    | 38. Mullet & Girard                 |
| 17. Humphreys                                 | 39. Afkhami, Bahrami & Fatehizade   |
| 18. Nemiah                                    | 40. Diblasio                        |
|   | 41. Enright                         |
|   | 42. Myerberg                        |

19. Berenbaum  
 20. Kokkonen, Karvonen, Veijola, Lakso,  
 Jokelainen, et al.  
 21. Majaddini  
 22. Delavar  
 43. Matsuyuki  
 44. Hatfield, Pillemer, O'Brien & Lee  
 45. Rafeenia & Asghari

## منابع

- افخمی، ا.، بهرامی، ف. و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۹)، ۴۴۲-۴۳۱.
- استرنبرگ، ر. (۱۹۸۷). *قصه عشق؛ نگرشی تازه به روابط زن و مرد*، ترجمه ع. بهرامی (۱۳۸۲). تهران: انتشارات رشد.
- چلبیانلو، غ. ر. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه شادکامی ذهنی و رضایت زناشویی در زوجین زودازدواج و زوجینی که مدت زیادی از ازدواج آن‌ها می‌گذرد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد شیراز.
- دلاور، ع. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- ذوالفقارپور، م. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه بین ساختار مدرن در خانواده با رضایت‌مندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه الزهراء.
- رفیعی‌نیا، پ. و اصغری، آ. (۱۳۸۶). *رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۹)، ۵۰۱-۴۹۱.
- ضمیری، ا.، ابافت، ح.، روشنی، خ. و عسگری، پ. (۱۳۹۰). *رابطه باورهای مذهبی و شادکامی با بخشودگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز*. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۶(۲۱)، ۱۱۲-۸۹.
- فرحبخش، ک. و شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۸۵). *ابعاد عشق‌ورزی براساس نظریه سه‌بعدی عشق در چهار گروه از زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند*. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ۳۰(۶)، ۱۰۱-۸۸.
- مجدالدین، ا. (۱۳۸۶). *بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان*. *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ۳(۶)، ۳۷۵-۳۸۶.
- مزلو، ا. (۱۹۸۷). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه ا. رضوانی (۱۳۷۵). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مظاهری، ع.، حیدری، م. و پوراعتماد، ح. (۱۳۸۴). *مقایسه بهداشت روانی در زوج‌های جشن ازدواج دانشجویی و زوج‌های عادی*. *مجله روان‌شناسی*، ۷(۱)، ۳۶-۴۹.
- موسوی، ا. (۱۳۸۶). *مشاوره قبل از ازدواج با نگاه کاربردی*، تهران: مهرکاوین.
- نوری‌بالا، ا. و علی‌پور، ا. (۱۳۷۸). *بررسی مقدماتی و روایی پرسش‌نامه آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران*. *اندیشه و رفتار*، ۱۵(۲)، ۶۶-۵۵.
- Afkhami, A., Bahrami, F., & Fatehizde, M. (2006). [Examines the relationship between forgiveness and marital conflicts in Yazd province]. *Journal of Family Research*, 3(9), 442-431 [in Persian].
- Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M. H. (2010). Effect of family problem solving on marital satisfaction. *Journal of Applied Science*, 1(8), 682-687.

- Bagby, R. M., Taylor, G. J., & Parker, J. D. A. (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale: II. Convergent, discriminant, and concurrent validity. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 33-40.
- Baily, T. C., & Snyder, C. R. (2007). Satisfaction with life and hope: a look at age and marital status. *Psychological Record*, 57(2), 233-240.
- Berenbaum, H. (1996). Childhood abuse, alexithymia and personality disorder. *Journal of Psychosomatic Research*, 41(5), 585-595.
- Booth, A., Johnson, D., White, L. K., & Edwards, J. N. (1986). Divorce and Marital Instability over the Life Course. *Journal of Family Issues*, 7(4), 421-442.
- Brunner, A. (2004). *Positive psychology, the science of happiness and human strengths*. New York: Routledge.
- Carver, C. S. (2004). *Self-regulation of action and affect*. In R.F. Baumeister & K. D. Vohs (Eds), *Handbook of Self-regulation. Research, Theory, and Applications* (pp. 13-39). New York: Guilford.
- Chalabianloo, G. (2003). *Evaluate the relationship between subjective happiness and marital satisfaction in early marriage couples and couples who married a long time ago*. Master's thesis. Azad University of Shiraz [in Persian].
- Delavar, A. (2005). *[Theoretical and practical research in the humanities and social sciences]*. Tehran: Roshd Publications [in Persian].
- Diblasio, F. A. (2000). Decision – based forgiveness treatment in cases of marital infidelity. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 37(4), 149-158.
- Engel, G., Olson, K. R., & Patrik, C. (2000). The personality of love: Fundamental motives and traits related to components of love. *Personality and Individual Differences*, 32(6), 839-853.
- Enright, R. (2011). Psychological Science of Forgiveness: Implications for Psychotherapy and Education. *The Conference of Neuroscience and Moral Action: Neurological Conditions of Affectivity, Decisions, and Virtue*. Pontificia Università della Santa Croce, Rome, Italy.
- Farahbakhsh, K., & Shafiabadi, P. (2005). [Dimensions of Love Based on the theory of three-dimensional love in the nomination in four groups of couples, marriage, marry and have children]. *Knowledge and Research in Psychology, Islamic Azad University, Isfahan (Esfahan)*, 30 (6), 101-88 [in Persian].
- Furnham, A., & Brewing, C. (1990). Personality and happiness. *Personality and Individual Differences*, 11, 1093-1096.
- Glasser, M. D., & William. R. (2000). *Counseling with choice theory the new reality therapy*. New York: harper Collin publisher.
- Hatfield, E., Pillemer, T., O'Brien, M., & Lee, Y. (2008). The endurance of love: passionate and companionate love in newlywed and long-term marriages. *Interpersona*, 2(1), 35-64.
- Hendrick, C., & Hendrick, S. (1989). Research on love: Does it measure up? *Journal of Personality and Social Psychology*, 56(4), 784-794.
- Hills, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford Happiness Questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 33, 1073-1082.
- Humphreys, T. P., Wood, L. M., & Parker, J. D. A. (2009). Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. *Personality and Individual Differences*, 46(2), 43-47.

- Johansson, D. R., Amoloza, T. O., & Boot, A. (1992). Debility and development change in marital quality: a three wave panel analysis. *Journal of Marriage the Family*, 54(5), 582- 594.
- Kokkonen, P., Karvonen, J. T., Veijola, J., Laksy, K., Jokelainen, J., Jarvelin, M. R & Joukamaa, M. (2001). Prevalence and sociodemographic correlates of alexithymia in a population sample of young adults. *Comprehensive Psychiatry*, 42(6), 471–476.
- Majdaddin, A. (2006). [The study of causes and effects of girls' marriage age increasing in rural on Ashtian]. *Journal of Human Sciences*, 53(6), 375-386 [in Persian].
- Maslow, A. (1987). *Motivation and Personality* (A. Rezvani Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi [in Persian].
- Matsuyuki, M. (2011). *An examination of the process of forgiveness and the relationship among state forgiveness, self-compassion, and psychological well-being experienced by Buddhists in the United States*. A Doctoral dissertation in Education, the University of Kentucky.
- Mazaheri, A., Heidari, M., & Pouretemad, H. (2004). Comparison of Mental Health in Student Wedding Ceremony couples and normal couples. *Journal of Psychology*, 7(1), 36-49 [in Persian].
- Mousavi, A. (2007). [*Premarital counseling with practical view*]. Tehran: Mehr Kavian Publications [in Persian].
- Mullet, E., & Girard, K. (2000). *Developmental and cognitive points of view on forgiveness*. In McCullough, M. E., Pargament, K. I., & Thoresen, C. E. (Ed.). *Forgiveness: Theory, research, and practice* (PP.111-132). New York: Guilford Press.
- Myerberg, L. (2011). *Forgiveness and Self-Regulation: Forgiveness as a Mechanism of Self-Regulation: An Ego-Depletion Model*. Honors Thesis in Psychology, University of Richmond.
- Nemiah, J. C. (1996). Alexithymia: Present, past, and future? *Psychosomatic Medicine*, 58(3), 217–218.
- Noorbala, A & Alipour, A. (1378). [A preliminary study and the validity of the Tehran University of Oxford]. *Thought and Behavior*, 5(1, 2), 66-55 [in Persian].
- Rafinea, P., & Asghari, A. (2006). [The relationship between types of love with subjective well-being in married students]. *Journal of Family Research*, 3(9), 501-491 [in Persian].
- Rice, P. (1997). *Intimate relationships, marriage and families*. London: Mayfield Publishing Company.
- Rogers, S. J., & De Boer, D. D. (2001). Changes in wives' income: effects on marital happiness, psychological well-being, and the risk of divorce. *Journal of Marriage and Family* 63(2), 458–472.
- Schoen, A. N., Rothert, K., Nicola, J., Kim, J., & Young, J. (2007). Women's employment, marital happiness, and divorce. *Social Forces* 81(2) 643–662.
- Schumm, W. R., & Bugaighis, M. A. (1986). Marital quality over the marital career: Alternative explanation. *Journal of Marital and the Family*, 48, 165- 168.
- Stephen, J. P., Linley, A., Harwood, J., Lewis, C. A., & Mc Collam, P. (2004). Rapid assessment of well-being: The Short Depression-Happiness Scale (SDHS). *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 77(2), 463-478.



- Sternberg, G. (1987). *Love Story, a new approach to male-female relationships* (A. Bahrami, Trans.). Tehran: Roshd [in Persian].
- Valiant, C. O., & Valiant, G. E. (1993). Is the u-curve of marital satisfaction and illusion? A 40-year study of marriage. *Journal of marriage and the family*, 55(1), 230- 240.
- Veenhoven, R. (2005). Is happiness relative? *Social Indicators Research*, 24(1), 1-34.
- Wagner, H., & Lee, V. (2008). Alexithymia and individual differences in emotional expression. *Journal of Research in Personality*, 42(3), 83-95.
- Zamiri, A., Abaft, H., Roshani, K., & Asghari, P. (2011). [The relationship between religious beliefs and happiness with students' impunity of Islamic Azad University of Ahvaz]. *New findings in Psychology*, 6 (21), 112-89 [in Persian].
- Zolfagharpour, M. (2000). *Examine the relationship between modern family structure with marital satisfaction in Women employees and housewife*. Master thesis. Al-Zahra University [in Persian].

